

تحلیل جغرافیایی از دروازه تا فضای ورودی شهر (مطالعه موردی: مبادی ورودی شهر اردبیل)^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۱/۲۹

فاطمه رحمانی شام اسبی (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
مجید شمس* (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)

چکیده

با شکل‌گیری دروازه برای ورود و خروج یک شهر در بستر محیط جغرافیایی، کالبد و محدوده قلمرو آن شکل گرفت. و با تکوین دروازه نوع و چگونگی ارتباط شهر با محیط پیرامون در قالب فضای ورودی شهر معنا و نمود عینی پیدا نمود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی سیر و تحول مبادی ورودی شهر اردبیل می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان داد: چهار مقطع در فرایند تحولات ورودی شهر وجود دارد که بین ساختار حیات کالبدی و فضای ورودی تفاوت‌های زیادی وجود دارد. حیات کالبدی ورودی شهر از نظر ساختار شامل یک دروازه است که کارکرد دفاعی و امنیتی دارد. اما فضای ورودی یک پهنه با سه لایه مختلف که هویتش در سه بخش ادراکی، بخش بصری و بخش فیزیکی تعریف می‌شود. بر اساس این پژوهش: شهرسازی مدرن، بهبود و افزایش امنیت شهرها، افزایش جمعیت و بویژه رونق استفاده از وسایل حمل و نقل شهری هر یک در دوره خاص و در ابعادی متفاوت بر حوزه‌های ورودی شهر تأثیرگذار بوده‌اند. لذا این عوامل ساختار کالبدی این حوزه‌ها را از دروازه به فضای ورودی و از کارکرد ارتباطی-دفاعی امنیتی به نقش ارتباطی-گردشگری تغییر شکل داده است.

واژه‌های کلیدی: شهر، فضا، دروازه، ورودی، اردبیل.

* نویسنده رابط: fazelman362@yahoo.com

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان (تبیین الگوی ساخت فضا در مبادی ورودی شهر، مطالعه موردی: ورودیهای شهر اردبیل) به راهنمایی مجید شمس و مشاوره رحیم سرور است و در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران تدوین شده است.

۱- مقدمه

ایجاد مظهر دروازه شهر به عنوان انعکاس و نشان دهنده یک جامع وسیع (Short, 1381:107) که حیات مدنی در آن جریان یافته و رویدادها و حوادث در آن رخ می دهند (Tschumi, 1994: 153). در قالب نماد شهری نمود پیدا کرده و عنصر دروازه بعد از شکل گیری شهرها ظاهر گردید و در دوره های تاریخی مختلف دروازه ها بدلیل نگرشهای گوناگون و به تبع آن تفاوت در ویژگیهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، معماری و مذهبی و بخصوص در بحث کالبدی بصور مختلف طراحی و نمود عینی پیدا کردند. در هر برهه زمانی این فرایند تحول با وقوع هر پیشامد مهم شهرسازی کارکرد ویژه ای را برای دروازه ها به عنوان یکی از عناصر با ارزش شهر تعریف نمود. لیکن این روند تغییرات این مکان هویت ساز و تاریخی را بطور کامل از میان (Canter, 1977:173) نبرد بلکه همواره با تعریف دوباره مفهوم و نقش فضای دروازه دوباره به احیای این نظام دیرین و نمادین در عین تقویت، حس مکان، آستانه، قلمرو (شعله، ۱۳۸۵: ۱۸). و مرز به عنوان یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر پرداخته شد. براین اساس فرایند تحولات مبادی ورودی شهر چهار مقطع اصلی حیات کالبدی، حیات کالبدی-ذهنی، حیات یادمانی و فضای ورودی را در پی داشته است. که در این فرایند بین ساختار حیات کالبدی و فضای ورودی تفاوت زیادی وجود دارد. دروازه در حیات کالبدی از نظر ساختار تنها شامل یک کالبد فیزیکی از جنس چوب یا آهن است که نقش آستانه و محل عبور از بیرون شهر به درون آن را امکانپذیر می کرده است. و از نظر کارکردی بیشتر دفاعی و امنیتی بوده است. اما فضای ورودی شهر یک سیستم لایه ای پیوسته ای است. که این لایه ها در تعامل با یکدیگر ساختار پهنه ورودی را بوجود آورده است. لیکن زیرسیستم فضای ورودی در نظام شهری، دربردارنده سه لایه روانی، بصری، فیزیکی در شهر است. که از طریق این لایه ها ورود و خروج، و یا ارتباط بین شهر و روستا و محیط پیرامون امکانپذیر می گردد. بر این اساس ورود به شهر در یک فرایند سلسله مراتبی اتفاق می افتد. در واقع لایه های ورودی بدلیل موقعیت قرارگیری شان در لبه های شهری دارای ویژگیهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، طبیعی است. که فعالیت های آن همگرا با طبیعت و بستر شکل گیری اش بوده و این سه عامل قابلیت جدا شدن از هم را ندارند. و با اولویت بندی بین درون و بیرون شهرتشکیل می شوند. که در ترکیب با هم ماهیت منظر ورودی شهرهای معاصر را تشکیل می دهند (باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۲) یکی از عناصر اصلی و کاربردی در ساختار بافت قدیمی شهر اردبیل دروازه ها بودند. دروازه به عنوان عامل غیر مذهبی در کنار عناصر بقعه شیخ صفی به عنوان مؤلفه حکومتی، بازار به عنوان مؤلفه اقتصادی، و جمعه مسجد به عنوان مؤلفه مذهبی، که در ارتباط با هم شهر را مفهوم سازی می نمودند (ابی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). بدین ترتیب دروازه های شهر قدیم در هر دوره

تاریخی توسعه یافته و به تدریج متحول شده‌اند و با توسعه‌های جدید شهر از سال ۱۳۰۰ ه.ش به بعد هر چند این دروازه‌ها نمود فیزیکی خود را از دست دادند، اما همچنان ارزش خود را به‌عنوان مراکز مهم کالبدی و کارکردی در ساختار اصلی شهر حفظ کردند بطوری که در دوره معاصر دروازه‌های شهر به‌عنوان فضای ورودی شهر در مسیرهای ارتباطی شهر به‌عنوان مفصل ارتباطی بافت قدیم و جدید مشهود است (شعله، ۱۳۸۵: ۲۱) براین اساس این تحقیق با مطالعه ادبیات مرتبط با ورودی شهر و نقش این فضاها در شهر و با بررسی اندیشه‌های ساخت فضا، به تبیین چگونگی و چرایی ساخت فضای ورودی پرداخته است تا بتواند به‌عنوان مرجعی برای بیان سیر تحول تاریخی ورودی‌های شهر مورد استفاده قرار گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به نظر گروتز: ورودی شهر محدوده‌ای است که قلمرو طبیعت را از محیط مصنوع و تمدن متمایز می‌کند و آگاهی دهنده حضور در قلمرو دیگر است. ورودی اتصال دهنده شهر با جامعه فراتر و طبیعت نامحدود است. این فضا می‌تواند معرف شخصیت شهر باشد (Grutter, 1996). از اینرو فعالیت ورودی «به چگونگی سازماندهی درون و بیرون بستگی دارد» در اصطلاح عمومی ورودی «حد واسطه بین فضای بیرون و درون شهر است» (افشار نادری، ۱۳۹۱: ۳). که به‌عنوان پهنه سوم برای تأمین ارتباط میان فضای خارج از محدوده شهر با درون آن را امکان پذیر می‌سازد (مدنی پور، ۲۰۱۱: ۱۳). این حضور تدریجی سلسله مراتبی را از بیرون به درون شهر را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر مفهومی است که به معنای نماد و نشانه و عناصر مونومنتال معماری (دانشپور و ماستیانی، ۱۳۹۳: ۷). که به عرضه گذاشتن خصوصیات محسوس از طرف محیط کالبد (Nasar, 1994: 377) بیان کننده هویت شهرسازی و معماری شهر می‌باشد.

با جستجو و تامل در پژوهشهای صورت گرفته به تعدادی از مهمترین اسناد یافت شده در حوزه ورودی شهر اشاره می‌شود. در مقاله: سیاستهای طراحی ورودی شهر ایرانی متأثر از ورودی مسکن قدیمی، نقصان محمدی و ریسمان باف (۱۳۹۴). به بررسی ورودی شهر ایرانی و مسکن قدیمی و مقایسه آنها پرداخته تا بتواند با استخراج سیاستهایی برای طراحی و باز طراحی این فضاها به طراحان کمک کند تا تعریفی درست از نقش ورودی در سازمان فضایی درخور شهر امروز و شهر ایرانی ایجادکنند. در نهایت تمام این سیاستها در جهت معکوس نمودن فرایند افت شهری و رونق چند بعدی این بخش از شهر در غالب جداولی جمع‌بندی و ارائه شده‌اند. در مقاله: مبادی ورودی، تدوین اصول و معیارهای ساماندهی برای بازیابی یک فضای فراموش شده، ابلقی، پور جعفر (۱۳۸۵). در این پژوهش به بررسی ورودی‌های شهر

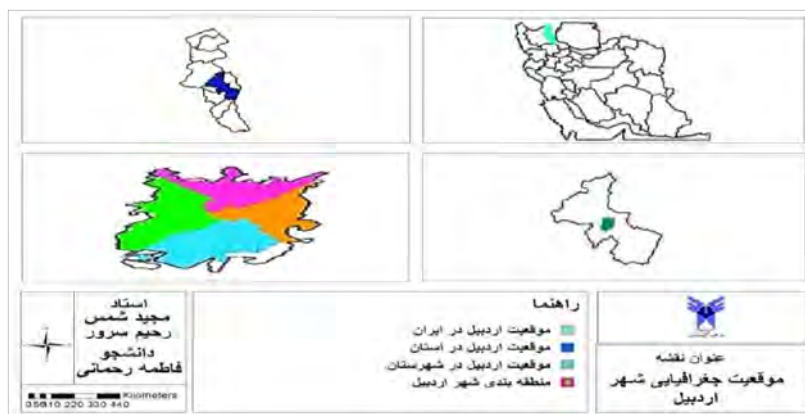
به‌عنوان یک عنصر مهم پرداخته و مسایل و مشکلاتی را که این حوزه‌ها با آن به‌عنوان یک فضایی که توجهی به آن نمیشود را بیان نموده است. اما مقاله: ورودی شهر به مثابه عنصری جهت ایجاد هویت مستقل برای منظر شهری، باقری و سید امیرمنصوری (۱۳۹۶)، محققان در این تحقیق به منظور دستیابی به ماهیت ورودی به‌عنوان یک مکان منظرین چپستی آن و تدقیق در هویتش برای بازتعریف مفهوم آن در شهرسازی نوین، انجام گردیده است. طبق نتایج این پژوهش، ورودی را دریچه‌ای برای ادراک منظر شهر دانسته و عنصری جهت ایجاد هویت مستقل برای منظر شهری.

۳- روش پژوهش

این پژوهش بر مبنای ماهیت موضوع به توصیف و تفسیر عوامل مختلف تأثیرگذار در موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از اینرو تحقیق از نوع توصیفی است که با چگونگی و چرایی موضوع سرو کار دارد. شیوه گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانه‌ای است که برای دستیابی به چارچوب نظری پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای، بانکهای اطلاعاتی و نیز رساله‌ها و مقالات فارسی و لاتین مرتبط با موضوع استفاده شده است. بنابراین تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

یکی از شهرهای اولیه فلات ایران شهر اردبیل بوده است. که در ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی در ایران واقع گردیده است. اردبیل بدلیل موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای که داشته است، به‌عنوان پلی از بین النهرین به قفقاز و از فلات آناتولی به ایران مرکزی و با پیوندهای دیگر با آن سوی قفقاز (Kleiss, 1991, 216) همیشه به‌عنوان نقطه مرزی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. براین اساس از زمان شکل‌گیری شهرتا به امروز در مسیرهای ارتباطی آن دروازه‌های متعددی بوجودآمده است. تا امکان ارتباط شهر را با مراکز شهری و روستایی دیگر فراهم سازد. (نقشه ۱).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی شهر اردبیل
CPTED CPTED CPTED مأخذ: نگارندگان

۵- یافته‌های پژوهش

پیدایش و سیر تحول دروازه‌ها با توجه به منابع موجود ساخت فضایی شهر دارای چهار مقطع اصلی، دروازه و حیات کالبدی_ دروازه و حیات کالبدی_ ذهنی، دروازه و حیات یادمانی، و فضای ورودی است. که بصورت تفصیلی در زیر به آنها اشاره می‌گردد.

۱-۵- دروازه و حیات کالبدی

در این دوره دروازه‌ها با پیدایش شهر، وجود خارجی و نمود کالبدی (شعله، ۱۳۸۵: ۲۲) پیدا کردند. و با شکوفایی شهر به اوج تکامل خود رسیدند. حیات کالبدی دروازه‌ها براساس، وجود برج و بارو به دور شهر (Degarani, 1996: 121) و بر مبنای زمینه‌های «دفاعی و امنیتی» (Gerker, 1987: 81) و اقتصادی بوجود آمد. و همچون ابزاری مستحکم برای حفاظت و دفاع به کار می‌رفت (رحیم زاده، اهری، ۱۳۹۹: ۸۳). و به‌عنوان بخشی از سپاه مدافع شهر در زمان وقوع بحران و جنگ (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۶۷۶) شناخته می‌شد. در این مقطع هر شهر با توجه به کارکرد، وسعت جغرافیایی، و بزرگی بارو، و موقعیت خود دروازه‌های متعددی داشت که فضای پیرامون آنها دارای جایگاه و اعتبار خاصی بود (امیری و دلبری، ۱۳۸۲: ۱۴). در حیات کالبدی موقعیت مکانی «دروازه‌های تعبیه شده در باروها» (Chrikof, 1999: 98) در خارجی‌ترین قسمت شهر و به‌عنوان اولین عنصر در برخورد با شهر قرار داشت. در این دوره دروازه‌ها همانند بناها، فضایی با ماهیت انعطاف پذیر بوده است. که می‌توانست همانند یک مفصل خود را با ویژگیهای هر دو فضایی که با هم پیوند می‌یابند منطبق سازد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹) و معمولاً در امتداد راه‌های مهم داخل شهر قرار داشتند (سلطان

زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۲). دروازه‌ها در این دوره دارای ویژگی‌ها و کارکردهای خاصی بوده است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

شهر معمولاً چهار دروازه در چهار جهت اصلی داشت. (Gawlikowski, 1994:47) لذا یکی از مصادیق نقش دروازه در نظام جهت‌یابی شهر، نام بخشی آن به‌عنوان عناصر شهر و نام‌پذیری از آنهاست. در شهر سنتی نام مکانها غیر قراردادی بوده است (Mounin et al, 1980: 493). و برگرفته از مکانهای معروف شهر از جمله دروازه‌ها بوده که در ذهن افراد تصویری از ارتباط عناصر شهر با دروازه را ایجاد می‌کرد. به این ترتیب دروازه از حیث نامش به خوانایی شهر کمک می‌کرد (رحیم زاده، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۱). ورودی از ارکان اصلی نظام سیستمی شهر بوده است و چنان ارتباط قوی با داخل و خارج شهر برقرار می‌کرده (باقری و امیر منصوری، ۱۳۹۶: ۷) که وجود دروازه در کنار حصار شهر به‌عنوان یک عنصر متمایز کننده شهر از روستا، بلکه به‌عنوان حصاری برای تعریف محدوده کالبدی شهر به کار گرفته می‌شد (حبیبی، ۱۳۸۰: ۹۹). در این دوره نیز ورود به شهر طی یک روند منطقی ورود بصری، روانی، و فیزیکی صورت می‌پذیرفت (باقری و امیرمنصوری، ۱۳۹۶: ۷). یعنی «(ظهور اراضی کشاورزی و نیز حضور پاره‌ای از کنشهای حاشیه شهری تا حد زیادی وارد شونده را پیش از مشاهده دروازه و حصار شهر به نزدیک شدن به شهر آگاه می‌ساخت)» (کیمیایی، ۱۳۹۰) (نقشه ۲).

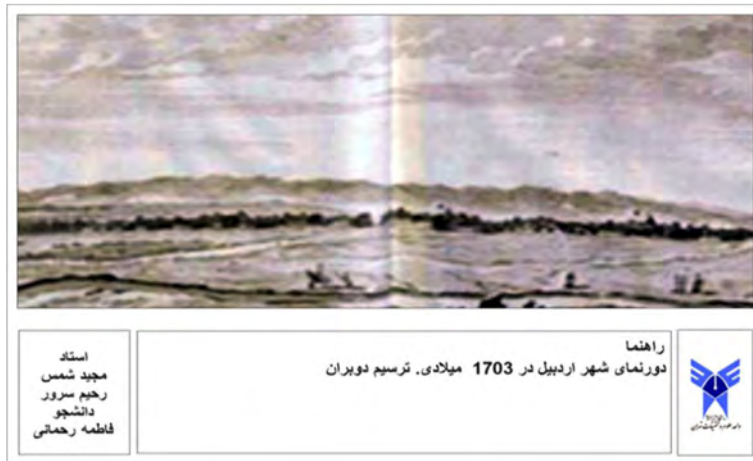


نقشه ۲. نقشه بازسازی شده شهر اردبیل سال ۱۰۴۳ ه.ش با اقتباس از نقشه اولئاریوس

مأخذ: ابی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۰

دروازه دریا دربندهایی داشت، جزئی متحرکی با قابلیت باز و بسته شدن از جنس چوب یا آهن (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۲۱). که به راحتی از جای کنده نمی‌شد (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۱۰). و قفل

و بستی هم بر دروازه‌ها می‌زدند تا مانع باز شدن دروازه شوند (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۵۱۳). هر چند در منابع به شکل وضعیت کالبدی فضاهای بالایی دروازه اشاره نشده است. اما بالای مدخل دروازه و بر بام آن فضایی وجود داشته که بسته به موقعیت، کارکردهایی چون بارگاه حاکم یا جنگ گاه مدافعان (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۵۴۰). (بیغمی، ۱۳۸۱: ۷۲۱) قرار داشته است. از دیگر اجزا و ملحقات دروازه برج‌هایی بود، که در آن دروازه میان دو برج قرار گرفته (Creswell, 1996: 81) و بر فراز برج محلی برای نگهبانی و جنگیدن تعبیه می‌شد (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۳). ساخت کالبدی دروازه‌ها از پیچیدگی خاصی برخوردار نبوده و اغلب معماری دروازه‌ها نمادی از شیوه معماری مرسوم و معمول در شهر بود (امیری و دلبری، ۱۳۸۲: ۱۴) و گاهی نیز پیش می‌آمد که از آجرهای مینایی استفاده کرده و آنها را تزیین می‌نمودند (Moser, 1936: 240). شهر در این دوره اغلب با نمای ورودیها و اعتبار دروازه‌هایشان شناخته می‌شدند. زیرا دروازه‌ها ((چهره‌های شهر)) بودند (Jutte, 2014: 210). و شاهی بر وضعیت اجتماعی شهر به شمار می‌آمدند (فون مایس، ۱۳۸۲: ۱۸۲). البته نمی‌توان عنوان کرد که شهرها همیشه دارای دروازه بوده‌اند. زیرا برخی شهرها بعلت جنگ برای دهه‌ها بدون حصار و دروازه بودند و یا چون این شهرها در مناطق دور افتاده قرار گرفته بودند و همین جدایی از کانونهای اصلی جاده‌ای و شهری تا حدی برای آنها امنیت به بار آورده بود و یا گاهی نیز موقعیت جغرافیایی این شهرها که دارای حصار طبیعی مانند کوهستانی بودن و یا در دل دریاچه قرار داشتن ساکنین شهر را از ساختن حصار مصنوعی راحت کرده بوده است. از اینگونه شهرها به استناد (بزرگمهری و خدادادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). سفرنامه اولناریوس شهر اردبیل را میتوان از این گونه شهرها قلمداد کرد که در آن زمان ((شهر حصار و دیوار محافظی در اطراف خود ندارد و خانه‌های آن هر یک دارای باغ میوه بوده‌اند و به همین جهت اردبیل از فاصله دور بیشتر مانند یک جنگل به نظر می‌آید تا یک شهر)) (کردبچه، ۱۳۶۹: ۴۹۳). لذا در این دوران شهر اردبیل برای تأمین امنیت نظامی و دفاعی خود باتوجه به موقعیت کوهستانی که داشته از برج دیده بانی به جای حصار استفاده می‌کرده است. (شکل ۱)



شکل ۱. دورنمای اردبیل در ۱۷۰۳ م. ترسیم دوبیران
مأخذ: شاه محمد اردبیلی، ۱۳۹۵

۲-۵- دروازه و حیات کالبدی_ذهنی

حیات کالبدی _ ذهنی دورانی است که در آن نوعی گسست معماری و شهرسازی اتفاق افتاد و زنجیره تداوم و تکامل تدریجی سبک‌های قبلی از هم گسیخته (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۳۴۹) و روشهای جدید و کهن با هم ترکیب (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۰) گردید. که در اثر آن حصار شهر معنای تاریخی خود را از دست می‌دهد و دروازه‌ها نیز به تبع این تغییر دچار دگرگونی معنایی می‌شوند. پیامد این دگرگونی (شعله، ۱۳۸۵: ۲۲) برای دروازه از دست دادن اهمیت استراتژیکی _ سیاسی خود به دلیل تغییرات عمده (Driven, 2013: 13) در امنیت دفاعی شهر بود، که موجب گردید ارزش نظامی و دفاعی آن (Curzon, 1380: 1) از بین برود. دلایل این تحولات شهری را که در این دوره باعث تغییر در ساختار و کارکرد دروازه‌ها شد را میتوان به شرح زیر بیان نمود:

۱- پیشرفت امکانات دفاعی و امنیتی چون اختراع سلاح گرم ۲- تثبیت دولت و بهبود امنیت عمومی شهر (کلانتری و بخشی زاده، ۱۳۹۸: ۴۲۷). ۳- ناکارآمدی نظام مالی و افزایش کفه واردات بر صادرات منجر به بحرانهای اقتصادی و آسیب شدید به بخش کشاورزی و تجارت شد. تعداد زیادی از روستاییان در جستجوی فرصتهای شغلی بهتر روانه شهر شدند (ورمقانی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). و نتیجه مهاجرت از روستا به شهر فرایندی است (سرور، ۱۳۸۸: ۷۹). که باعث افزایش جمعیت شهری در این دوره گردید. تا قبل از دوره حیات کالبدی_ذهنی نگرش به شهر نگاهی کاملاً عینی، ساده انگارانه و قابل لمس بود و شهر به صورت ارگانیک رشد کرده و پاسخگوی نیازهای روزمره مردم بودند. بنابراین شکل کالبدی شهر

با توجه به نیازهای عادی ساکنان طراحی و اجرا می‌شد (وزینی افضل، ۱۳۹۸: ۱۷) و شهرها دارای حصار و بارو بودند. اما در این دوره حصارهای اطراف شهر مانعی برای گسترش و توسعه شهر تلقی و مانعی برای سیاستها و برنامه‌های گسترش دولت (شهیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) بود. لیکن در این دوره بخشهایی از حصارها و سایر موانع (Hililier & Stoner, 2010: 28) به همراه دروازه‌ها تخریب شد تا مساحت شهر افزایش (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۴) یابد و بخشهای باقیمانده نیز بتدریج و با گذشت زمان در اثر عوامل آسیب رسان طبیعی نابود شد (شهیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). البته علی‌رغم این رویدادها در این دوره همچنان دروازه‌ها قلمرو شهر را برای ورود به شهر تعیین می‌کردند و با وجود نشانه‌های شهری در مقیاس‌های مختلف جهت تأکید بر ورود و خروج نسبت به حوزه شهری این اتفاق (پدیده ورود و خروج) (کیمیایی، ۱۳۹۰) از طریق دروازه‌ها صورت می‌گرفت.

۳-۵- دروازه و حیات یادمانی

حیات یادمانی مترادف با فروپاشی ساختار کالبدی_ فضایی دروازه است. در این دوره جایگاه ویژه دروازه به سبب ارزش مکانی و معانی شکل گرفته در طول تاریخ حیات شهر (شعله، ۱۳۸۵: ۲۲) دارای کارکرد یادمانی است که در ساختار اصلی شهر تنها جذابیت‌های یک اثر تاریخی را در خود نهفته دارد و به عنوان یکی از المان‌های فرهنگی و تمدنی (بزرگر، ۱۳۹۶: ۹۲) شهر است. که محدوده شهر و موقعیت دروازه را در حصار تاریخی شهر تداعی می‌کند تا باورها و جهان‌بینی جامعه (Mumford, 2006: 530) را در شهرسازی گذشته منعکس کند. مانند دروازه عالی قاپو اردبیل که در جایگاه دروازه‌های نمادین محسوب می‌شود. (شکل ۲)



شکل ۲. دروازه عالی قاپو در دوره یادمانی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

این بخش از حیات دروازه‌ها با دگرگونی در بافت و ساختار فضایی شهر نه بر مبنای تفکر و تحول درونی بلکه بر اندیشه و تغییر برونی (بوجود آمد) اندیشه‌ای متأثر از جنبش معماری و شهرسازی مدرن (حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). که بیشتر از طریق مداخلات دستگاه سیاسی صورت می‌پذیرفت و نه از طریق دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی (کلانتری و بخشی زاده، ۱۳۹۸: ۴۲۸). که در آن شهر قدیم که به برج و باروهای پیرامون محدود می‌شد در جهت انطباق با نقش‌ها و کنش‌های جدید دچار تغییرات بنیادین شد و با تخریب حصارهای پیرامون نقش دروازه‌های اصلی به‌عنوان عنصری شاخص و هویت بخش شهر (قدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۴) با تغییر کالبدی - محتوایی مواجه شد. بعبارتی به دنبال گسترش بی‌رویه شهرها و اهمیت روز افزون اتومبیل (امیری و شمس، ۱۴۰۳: ۱۶۵) نقش کالبد فیزیکی دروازه کمتر شد. این تحول کالبدی دروازه‌ها در این دوران به چهار شکل ظهور می‌یابد.

۱- کالبد دروازه‌ها و برخی نام‌های آنها از بین رفت و با نام‌های متفاوت در یک کالبد بروز پیدا کردند و یا در قالب واژه‌های مهندسی شهری - شهرسازی جدید مثل فلکه، چهارراه، و میدان تغییر نام داده شدند (شعله، ۱۳۸۵۹: ۲۲). در این دوره دروازه ((نیروی حیاتی خود را از)) (Shalin, 1994: 9) شهر می‌گیرد. ۳- به جای دروازه مسیرهای مواصلاتی منتهی به شهر همراه با مجموعه کاربریهای پراکنده و بدون انسجام پیرامون (پیشین) شکل می‌گیرد. ۴- در حیات کالبدی - یادمانی محل قرارگیری دروازه‌ها محل عبور و مرور کاروانها و هیئتهای سیاسی اقتصادی داخلی و خارجی و مردم که به عنوان نمادی از میزان توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی (معتدی، ۱۳۹۷) شهر در گذشته را بیان می‌کند. در این دوره حصار احاطه کننده شهر مانعی برای گردش سریع کالا و آمد و شد (حبیبی، ۱۳۷۵) بود. و از سوی دیگر وجود معایب درون سیستمی شهر رشد نیافته (شعبانی و کامیاب، ۱۳۹۱: ۹۰) سبب حذف کامل حصار شهر گردید. و در این بین دروازه‌ها نیز کارکردهای امنیتی، اقتصادی خود را از دست دادند.

۴-۵- فضای ورودی

در واقع حیات دروازه در این دوره در قالب فضای ورود به شهر، نقطه پایانی این فرایند (Taylor, 2000: 12) تحول در حیات دروازه است. و آغازگر نوع خاص از جایگاه دروازه در شهر می‌باشد که در آن ورودی شهروای عملکرد ساده می‌تواند در ساختار شهر به‌عنوان عنصر نمادین (Smith, 1977) بصری مطرح شود. در این دوره فضای ورودی شهر نماد کالبدی دروازه‌های قدیمی شهر را تداعی می‌کند. در واقع حیات بصری دروازه پیامد گذر زمان است که، در قالب نوآوریهای متفاوت شهری با پیکره سیما و ساختاری متفاوت (کلانتری و بخشی،

۴۱۲:۱۳۹۸) تحت تأثیر الگوی توسعه فراگیر شهری به اطراف (Batehani&Larnal,2008:2) و توسعه وسایل حمل و نقل شهری شکل گرفته است. البته در این دوران مسأله‌ای که بطور کامل روشن جنبه زندگی شهری است. یعنی پدید آمدن تخصص و تقسیم کار و شکل‌گیری ساختار شهری به معنای واقعی وجود باورها و اعتقادات مشترک شکل‌گیری فضاهای شهری (کاویانی پویا، ۱۳۹۶: ۸۶) و ایجاد دیوان سالاری مدرن که در آن شهر دارای نظم و اجرای طرح‌های شهری (کلانتری و بخشی زاده، ۱۳۹۹: ۴۰۸) که از عوامل تأثیر گذار در شکل‌گیری فضای ورودی در این دوره است. ایجاد ساختار سلسله مراتبی منظم و موزون فضاها، اصلاح راههای ارتباطی موجود، و متناسب ساختن آنها با نیازهای روز(شماعی و پور احمد، ۱۳۸۹: ۷۷). و انتخاب مکان مناسب برای استقرار (Bischoff&Klamrath,2007) فضای ورودی شهر در این دوره به‌عنوان یک عنصر با کیفیت زیبا شناسانه خاص (شعله، ۱۳۸۵: ۲۰) که مبتنی بر یک زیبایی شناسی طبیعی است. برای راهنمایی مراجعین به شهر با منظر شهر عجین شده(باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۲). که علاوه بر ایجاد فضای مکث به لحاظ عملکردی و ایجاد حس محصوریت از نظر بصری در منظر شهری به‌عنوان عنصری با ارزش (شعله، ۱۳۸۵: ۲۰). جایگاه آن را به‌عنوان یک مکان با هویت تثبیت کرده است. لذا فضای ورودی شهر به‌عنوان عنصر نمادین شناسنده شهر نمایانگر فرهنگ آداب و رسوم شهرسازی و معماری مردم آن شهر(دانشپور و ماستیانی، ۱۳۹۴: ۷) شناخته می‌شود که بوسیله آن میتوان ابعاد گوناگون شهر را به مثابه یک متن قرائت نمود(گلکار، ۱۳۷۸: ۹۹) در حیات بصری فضای ورودی صرفنظر از جنبه اقتصادی، همزمان نقش اجتماعی مهمی را ایفا می‌کند (Driven,2013:25) و به‌عنوان یک مکان تفریحی و استراحتگاهی برای مسافران داخلی و خارجی به شمار می‌آید. در این دوره فضاهای ورودی با برخورداری از محیط بصری مطلوب، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنها را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین‌المللی توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت می‌نماید(Gospodini,2002). از اینرو کارکرد اقتصادی ویژه‌ای را به خود می‌گیرد. که از این لحاظ به‌عنوان یک منبع توسعه، نقش بسیار مهم و تعیین کننده (شمس و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۲) در توسعه شهر دارد. در دوران بصری ساختار کالبدی، ورودی شهر به‌عنوان یک ابزار استفاده (گلکار، ۲۰۰۵) در جهت معرفی و جذب گردشگر برای شهر دارای اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد. لیکن معیارها و ضوابطی چون خوانایی، تبدیل پذیری، تشخص، انعطاف پذیری، تنوع و سرزندگی را در طراحی و ساخت این فضاها در نظر می‌گیرند. تا ساختار این فضا از شهر متفاوت مجزا باشد و به‌عنوان عنصر اصلی شهر در قالب فضای ورودی به‌عنوان تجلیگاه ویژگیهای مختص هر شهر نقش آفرینی نماید. ساختار

فضای ورودی، شامل یک پهنه‌ای است، که از سه لایه مختلف تشکیل شده است، که هویتش در سه شاخه تعامل با طبیعت، تعامل با اجتماع، و تعامل با شهر تعریف می‌شود (باقری و امیر منصوری، ۱۳۹۶: ۱۲). و با توجه به موقعیت قرارگیری، این لایه‌ها به ترتیب سلسله مراتب حضور در شهر از: حوزه‌های ادراکی، بصری، و فیزیکی تشکیل شده است.

۱-۴-۵- پهنه ادراکی

فضای ادراکی مبادی ورودی نقطه آغازین پهنه ورودی را شامل می‌شود. که به عنوان پهنه خارجی ورودی شهر یک حوزه نیمه مستقل است که با دارا بودن بیشترین ویژگیهای طبیعی نسبت به سایر پهنه‌ها مخاطب را به لحاظ روانی منتظر ورود به شهر می‌کند (دانشپور و ماستیانی، ۱۳۹۳: ۷). که ظهور علایم، نشانه‌های راهنما (رمضانی، ۱۳۹۳: ۳۳) و تغییر در بافت کالبدی و فعالیتی، حاشیه محور مانند استقرار کاربریها و فعالیت‌های کارگاهی، وکلان (دانشپور و ماستیانی، ۱۳۹۳: ۱۰) از جمله مهمترین عوامل ایجاد این تغییرات کیفیت محیط در این حوزه است. در این مرحله هیچگونه نشانه عینی از شهر وجود ندارد (حوزه دیدن) اما در بین این متغیرها تغییر آهنگ حرکات وسایل نقلیه (پیرمردادی، ۱۳۹۵: ۳۶) نقش برجسته‌ای را ایجاد و احساس تغییر فضا در این حوزه را ایفا می‌کند. از اینرو نخستین تصویر ذهنی خود از شهر در نوع ادراک آن مکان در این حوزه ورودی شکل می‌گیرد. که بایستی معرف هویت و ارزشهای نهفته آن شهر باشد. بر این اساس برخی از ویژگیهای فضای ادراکی ورودی شهر را می‌توان اینگونه بیان نمود: امکان توقف برای گردشگران هنگام ورود یا خروج از شهر، ایجاد حس ورود به منطقه امن به عنوان اولین حوزه در ورود به فضای شهری، مشخص کننده مرز بین فضای شهر و حومه آن، بخش ادراکی ورودی هر شهر سیال و از تغییر و تحول مستمر تبعیت می‌کند. و دائماً ساختارهای طبیعی فضا و چیدمان مصنوعی موجود در آن به چالش کشیده شده و مرزهای آن دچار دگرگونی می‌شود و این تغییر و تحول حاصل عوامل مختلفی از جمله گسترش فیزیکی شهر به سمت بیرون و تخریب زمینهای کشاورزی (Johnson, 2001: 271) است. (نقشه ۳)



نقشه ۳. پهنه بیرونی ورودی شهر (محور اردبیل_سرعین).

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۲-۴-۵- پهنه بصری

پهنه بصری که میانی‌ترین بخش این فضا محسوب می‌شود دارای موقعیت مناسبی برای دیده شدن اولین نشانه‌های بصری از شهر است. که بوسیله دور نمای تغییرات متداوم بافت کالبدی پیرامون محور مخاطب (ماستیانی و دانشپور، ۱۳۹۰: ۱۰) از سایر پهنه‌های ورودی متمایز می‌گردد. پهنه میانی از قرار گرفتن بین دو پهنه مجاور خود بوجود می‌آید که این بخش از پهنه ورودی نقش برجسته‌ای را به‌عنوان بزرگترین و مؤثرترین حوزه در تبدیل عرصه‌ها به یکدیگر دارد که با استقرار بر روی مرز بین بیرون و درون شهر و دادن فرصت کافی برای تبدیل بیرون و درون به یکدیگر به تفسیر رفتار در دو طرف ورودی کمک می‌کند. پهنه میانی به‌عنوان حوزه مستقل، مفصلی است بین دو پهنه خارجی و داخلی که محیط طبیعی پهنه خارجی را به محیط مصنوع داخلی پیوند می‌دهد. (ماستیانی و دانشپور، ۱۳۹۳: ۱۱) و بعلاوه استقرار سیمبل‌های که دارای تضاد بین خود و بستری که در آن قرار دارند، باعث شاخص و مطرح شدن این پهنه شده و حس تعلق را به شهروندان القا می‌کند، و در ذهن مسافران احساس نزدیک شدن به سمت شهر ایجاد می‌شود. در این میان پهنه میانی حوزه‌ای پویا و فعال بشمار می‌آید، که در فرایند توسعه شهر بسترهای اقتصادی قابل توجهی را در این حوزه بوجود آورده است، که متکی به اقتصاد حاشیه شهر است. و شامل استقرار کاربری‌ها و فعالیت‌های خدمات دروازه‌ای، کاربری‌های کلان و خرد (ماستیانی و دانشپور، ۱۳۹۳: ۱۲) استقرار بازارهای فصلی و دایمی با بهره اقتصادی کم برای اقشار کم درآمد و عمده جامعه

شهری می‌باشد، و درعین حال این عامل منجر به توسعه کسب و کارهای محلی و باعث شکل‌گیری روابط جدیدی از مناسبات اقتصادی در حاشیه شهر شده است. این بازارها منجر به جذب توریست‌های محلی گردیده و عاملی محرک برای توسعه اقتصادی ورودی شهر است. با توجه به ارزان بودن زمین در این پهنه کاربریهای درشت دانه که نیازمند فضای بیشتری هستند در این بخش استقرار می‌یابند (باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۱). (نقشه ۴)



نقشه ۴. پهنه میانی ورودی شهر (محور اردبیل-سرعین).

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۳-۴-۵- پهنه کالبدی

ورودی کالبدی یا پهنه داخلی حوزه پایانی و رسیدن به مقصد است که تداوم حس نزدیک شدن به شهر که در پهنه‌های میانی پدیدار شده بود را به حس حضور در شهر در این پهنه مبدل می‌کند. تا مخاطب با ورود به پهنه فیزیکی خود را در شهر درباب (خادمی و رفیعی جوزم، ۱۳۸۸). در این فضا ویژگیهای کالبدی و غیرکالبدی درون و بیرون شهر با هم قابل مشاهده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷) و در بخش رو به شهر این پهنه کاربریها و فعالیت‌های مختلط شهری، کاربری‌های خرد، و متناسب با ماهیت و هویت شهر (ماستیانی و دانشپور، ۱۳۹۶: ۱۲) و بافت شهری قرار دارند. این پهنه نیمه مستقل محدوده قلمروی نظام شهری را مشخص و در اشکال مختلف امکان ورود و خروج به داخل شهر را فراهم می‌نماید. این پهنه بین دو فضای متمایز داخل و بیرون شهر نقش ارتباط دهنده دارد و در بین سطوح پهنه‌های ورودی کارکرد حوزه کالبدی اجتماعی دارد. که در شکل‌گیری کارکرد اجتماعی این پهنه دو عامل مؤثر بوده است. ۱. وجود کالبد دروازه در این پهنه ورودی که به‌عنوان نماد و مظهر تاریخی شهر ۲. گسترش فیزیکی فضای شهر (باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۱). از اینرو فضاها

و امکانات تفریحی برای شهروندان و توریست‌ها در این فضا ایجاد شده و عاملی برای تعاملات اجتماعی به شمار می‌آید که در این حالت یک جامعه مشارکتی کوچکی در این فضاها در راستای توجه به اهداف اجتماعی ایجاد می‌گردد (باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۲). از اینرو پهنه ورودی کالبدی فراخور جایگاهش دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از: جذب توریسم داخلی و خارجی بدلیل امکانات تفریحی و اوقات فراغت و وجود نمادهای مستقر در آن، به‌عنوان بخش ارائه‌کننده اطلاعات از فضای داخلی شهر برای وارد شونده‌گان، ایفای نقش یک مکان خاطره‌انگیز برای گردشگران، نقش دعوت‌کنندگی برای ورود مسافران به داخل شهر (بدلیل جذابیت بصری)، بازتاب دهنده ماهیت و هویت شهر به‌عنوان مکمل ویژگی‌های شهر، به‌عنوان نقطه شروع و اتصال ساختار اصلی فضایی شهر ورودی کالبدی شهرنمادی از زندگی اجتماعی شهر بوده و نقش ویرین شهر را ایفا می‌کند. اما امروزه بدلیل گستردگی کالبدی شهر معاصر این ویژگی شاخص (باقری و منصوری، ۱۳۹۶: ۱۰) با ترکیب کاربری‌های مختلف شهری و حومه در این حوزه سبب نابسامانی و کاهش کیفیت این جایگاه شده است (نقشه ۵)



نقشه ۵. پهنه داخلی ورودی شهر (محور اردبیل_سرعین)

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

نتیجه‌گیری

فرایند تقسیم‌بندی دروازه‌های شهر به چهار دوره، نگاهی به سیر تحول تاریخی این حوزه‌های ورودی در بعد زمان است. فضای کنش حوزه‌های ورودی در طول زمان پهنه کالبدی این عرصه‌ها را شامل می‌گردد. که در آن پهنه ورودی در هر دوره، از فرایندی پویا و مستمر تبعیت می‌کند که دائماً ساختارهای این حوزه‌ها را به چالش کشیده و آنها را مجبور به انعطاف

و یا دگرگونی می‌نمایند. از اینرو این حوزه‌ها بعلاوه اعمال تغییرات مداوم در الگوی ساختاری و کارکردی خود برای دستیابی به اهداف تعیین شده در ساختار کلی شهر و عمل به نقش خود هستند. طبق نتایج حاصل از این تحقیق می‌بینیم که این حوزه‌ها ابتدا به‌عنوان دروازه‌های شهری کهن به‌عنوان مکانهای آستانه‌ای برای عبور و گذر مطرح بوده‌اند که با گذر زمان بتدریج در شهر معاصر کالبد دروازه‌ها تغییر شکل یافته و دارای ساختاری متفاوت یعنی یک پهنه با سه بخش متفاوت است که شامل پهنه ادراکی به‌عنوان نقطه اتصال شهر با محیط پیرامونی شهر که ساختار آن بشدت تحت تأثیر شرایط محیط طبیعی بوده و موجب شکل‌گیری نقش طبیعی برای این پهنه می‌گردد. پهنه بصری، که تعامل مشارکتی و ارتباطی بین حوزه ادراکی و شهر، که سبب نقش آفرینی اجتماعی و اقتصادی این حوزه می‌شود. و به منزله نماد و مظهر شهر عمل می‌کند. و پهنه کالبدی، که ارتباط ورودی با مرکز شهر را فراهم می‌نماید. از اینرو موجب اجتماع مردم شهر در فضای کالبدی شهر می‌گردد که پیامدهای هویت اجتماعی شهر را برای این پهنه در پی دارد. در مجموع این سه بخش در تعامل با یکدیگر فضای ورودی را شکل می‌دهند که بر اساس نتایج این تحقیق، شهرسازی مدرن، بهبود و افزایش امنیت شهر، افزایش جمعیت و توسعه وسایل حمل و نقل شهری هر یک در دوره خاص و در ابعادی متفاوت برحوزه‌های ورودی شهر تأثیر گذار بوده‌اند در میان این عوامل رونق استفاده از وسایل حمل و نقل شهری نقش برجسته‌ای را دارد که در نهایت ساختار کالبدی این حوزه‌ها را از دروازه به فضای ورودی و از کارکرد ارتباطی_دفاعی امنیتی به نقش ارتباطی_گردشگری تغییر شکل داده است و این مبادی ورودی در قالب فضای ورودی شهر به‌عنوان یک مکان ارتباطی برای شهر شناخته می‌شوند. برای ارتقاء کارکرد این عنصر کاربردی شهر می‌توان مورد زیر را مورد توجه قرار داد:

__ با معاصرسازی ساختار فضای ورودی این عنصر با ارزش شهر می‌تواند بیان‌کننده هویت تاریخی دروازه شهر باشد که با تبدیل شدن از یک فضا به فضای دیگر در گذر زمان این عنصر شهر در کنار کارکرد ارتباطی به‌عنوان بیان‌کننده هویت تاریخی و فرهنگی و معماری شهر نیز تلقی گردد.

منابع و مآخذ:

- ۱- اولثاریوس، آ. ۱۳۶۹. سفرنامه آدام اولثاریوس، سرزمین تزارهای مخوف، ترجمه حسین کردبچه، چاپ اول، ناشر شرکت کتاب برای همه، ۸۹۱ صفحه.
- ۲- امیری، ز.، دلبری، ش. ۱۳۹۵. جایگاه دروازه‌های کلان شهرهای ایران در تمدن اسلامی تا قرن هفتم هجری، اولین کنفرانس پژوهشهای معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز، ۱۵ دیماه، ۱۴-۱.
- ۳- امیری، م.، شمس، م. ۱۴۰۳. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیر گذار بر سر زندگی شهری مطالعه پیاده راه بوعلی شهر همدان، آمایش محیط، ۱۷(۶۵): ۱۶۵-۱۸۳.
- ۴- بحرینی، س. ح.، علی طالب بابلی، ن. ۱۳۸۱. تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی و ورودی شهر، محیط شناسی ویژه نامه طراحی محیط، ۲۹(۳۰): ۳۶-۱۳.
- ۵- باقری، ی.، امیر منصوری، س. ۱۳۹۶. ورودی شهر به مثابه عنصری جهت ایجاد هویت مستقل برای منظر شهری، ماهنامه باغ نظر، ۱۵(۶۰): ۱۴-۵.
- ۶- براتی، ن.، نجفی تروجنی، س. ن. ۱۳۹۵. ارزیابی نماد ورودی شهرها بر مبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی، مطالعه نماد ورودی شرقی شهر قزوین، مطالعات شهری، ۵(۱۹): ۹۱-۸۱.
- ۷- ثواقب، ج.، هادی، م.، مشکانی، ل. ۱۳۹۶. ساختار کالبدی_ فضایی شهر ایران عصر ناصری از منظر سیاحان غربی (۱۲۷۵_۱۲۲۷ ش)، دو فصلنامه تاریخ ایران اسلامی، ۴(۲): ۱۴۸-۱۲۳.
- ۸- حافظ نیا، م. ر. ۱۳۹۶. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ بیست و سوم، سمت، ۴۱۸ صفحه.
- ۹- خطیبی، س. م.، رضایی، س. ۱۳۹۳. نحوه طراحی ورودی شهرها با رویکرد سکانس‌بندی عرصه ورودی شهر مورد مطالعه: ورودی قزوین از سمت تاکستان، اولین همایش ملی نظریه‌های نوین در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۹ مهرماه، ۱۲-۱.
- ۱۰- خادمی، م.، رفیعی جوزم، ر. ۱۳۸۸. بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیط در فضای ورودی شهرها، آبادی، ۱۹(۶۱-۶۲): ۱۹-۱.

- ۱۱- دانشمند، س.، نقره کار، ع. ۱۳۹۱. چگونگی طراحی ورودی‌ها با توجه به اصول شکل‌گیری معماری آستانگی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۱(۹): ۷۹-۸۹.
- ۱۲- دانشپور، ع.، ماستیانی، م. ۱۳۹۳. تدوین راهبردهای طراحی مبادی ورودی شهرها با رویکرد کیفیات ادراک بصری، نمونه مورد مطالعه ورودی جنوب شرقی کلان شهر تهران، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۲۲: ۷-۵.
- ۱۳- رحیم زاده، پ.، اهری، ز. ۱۳۹۹. دروازه در شهرهای سده‌های نخست اسلامی ایران، مطالعات معماری ایران، ۱۷: ۷۷-۹۶.
- ۱۴- رضایی، م. ر. ۱۳۹۷. بررسی کیفیت کالبدی و عملکردی مبادی ورودی شهر یزد از نظر گردشگران، فصلنامه شهر پایدار، ۱(۲): ۱۱۳-۱۲۸.
- ۱۵- سعیدی، م.، حبیبی، ک.، شیعه، ا. ۱۳۹۶. سنجش و ارتقای کیفیت نمایانگرهای کارکردی و اجتماعی دروازه‌های ورودی و خروجی شهر در راستای توسعه گردشگری، مطالعه موردی: بنانه، گردشگری شهری، ۴(۳): ۱۸-۱.
- ۱۶- سرور، ر. ۱۳۸۸. مهاجرت از تهران رویکردی جدید در تمرکز زدایی از پایتخت، جغرافیا نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۶(۱۸-۱۹): ۷۹-۹۸.
- ۱۷- شعله، م. ۱۳۸۵. دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۱۷-۲۶.
- ۱۸- شعبانی، ا.، کامیاب، ج. ۱۳۹۱. سیاست شهری در تاریخ معاصر ایران (دوره ۱۲۹۹-۱۳۲۰ه. ش) با تأکید بر فضاهای عمومی شهر تهران، باغ نظر، ۹(۲۳): ۹۲-۸۳.
- ۱۹- شمس، م.، گمار، م.، رسولی، ا. ۱۳۹۵. ارزیابی میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری، نمونه موردی: شهر ملایر، فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، ۹(۲): ۲۱۲-۱۹۵.
- ۲۰- عبدالله زاده فرد، ع.، رحمانی، م. ۱۳۹۵. طراحی ورودی شهرهای امروز با بهره‌گیری از هویت مندی شهرهای دیروز ایران، مطالعات جغرافیا عمران و مدیریت شهری، ۲(۲): ۳۷-۲۵.
- ۲۱- فون مایس، پ. ۱۳۸۳. نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان، ترجمه سیمون آیوازیان، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۲۸۸ صفحه.

- ۲۲- فتحی، ر.، شفقی، س.، بیک محمدی، ح. ۱۴۰۰. تحلیل ساختار بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد توسعه پایدار موردی بافت فرسوده شهرآمل، آمایش محیط، ۱۴(۵۲): ۸۳-۱۰۰.
- ۲۳- قوام پور، ا. ۱۳۸۴. طراحی مجموعه ورودی تهران از سمت آزاد راه تهران- شمال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی و معماری، دانشگاه تهران، ۱۳۵ صفحه.
- ۲۴- کاویانی پویا، ح. ۱۳۹۶. بررسی عوامل تاریخی بنیاد شهرها با رویکرد به شهرهای ایران و میانرودان، فصلنامه پژوهشی تاریخی، ۵۳(۴): ۹۰-۷۳.
- ۲۵- کلانتری، ع.، بخشی زاده، ح. ۱۳۹۹. تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول، توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲): ۴۳۶-۴۰۹.
- ۲۶- نقصان محمدی، م.، ریسمن باف، پ. ۱۳۹۴. سیاست‌های طراحی ورودی شهر ایرانی متأثر از ورودی مسکن قدیمی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۹: ۵۴-۴۱.
- ۲۷- موسوی، س. ج. ۱۳۸۹. نمادهای ورودی شهر تهران، مهندسين مشار نقشید، ۱۶-۱.
- ۲۸- ورزینی افضل، م. ۱۳۹۸. سیاست‌های نوگرایانه دولت پهلوی در ساختار شهری و تأثیر آن بر بافت تاریخی بین سالهای ۱۳۰۴-۱۳۴۰ شمسی، مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، ۹۲(۴۲): ۱۹۷-۱۷۳.
- 29- Hall, T. 2006. urban Geography, ali gasemi, hamed gader marzi, 1th, Jahad Daneshgahi, 368p.



پښتونستان د علومو او مطالعات فرېشنې
پرتال جامع علوم انساني